تحلیل

محمدحسن صادق‌پور

ریشه‌شناسی دوگونه رفتار اجتماعی در تفکر رهبر انقلاب

# صبر انقلابی مقدمه «خشم انقلابی» است

**واکنش به فشارها و معضلات اجتماعی در شرایط دشوار و بحرانی گاه با ظهور خشم اجتماعی خود را بروز می‌دهد. این خشم گاهی نتایج مثمر ثمری دارد و گاه خود عاملی مخرب و ویرانگر است. گرچه در کاربرد اخلاق اسلامی به صورت کلی و عام، واژگان خشم و صبر در یک دسته‌بندی رفتاری قرار می‌گیرند؛ میانه این طیف رفتاری شاید بتوان گونه‌هایی از صبر غیرممدوح و خشم ممدوح را نیز شناسایی کرد. صفات گوناگون در اسلام همین ویژگی را دارند و اطلاق صفات در ظرف زمانی و موقعیتی است که می‌تواند حسن و قبح آن را معین نماید. برای نمونه تکبر به صورت کلی در روایات اسلامی صفت مذموم شمرده شده است و آیات قرآن نیز در اکثر مواقع آن را مذمت نموده‌اند، با این وجود در جاتی از تکبر طبق برخی روایات وارد دانسته شده است نظیر قول مولانا امیرالمومنین (ع): «و تکبّروا مع المتکبّرین فإنّ التکبّر مع المتکبّرین عبادة؛ با متکبران متکبرانه رفتار کنید که اینگونه رفتار خود عبادت است.» فلسفه اخلاقی که توسط برخی عقلای اسلامی مطرح شده است و با عنوان اخلاق ارسطویی نیز بیان شده به همین مسئله اشاره دارد. در ادامه به بررسی دو صفت صبر و غیظ در این طیف در شرایط زمانی گوناگون خصوصاً در رفتارشناسی اجتماعی پرداخته خواهد شد.**

■■■

## ■ صبر انقلابی

همانگونه که در مقدمه اشاره شد برخی نگرش‌ها به اخلاق اسلامی معتقد است. صفات ممدوحه خط تعادل میان دو حد افراط و تفریط است. با این فلسفه می‌توان برای صبر نیز حد افراط و تفریط قائل شد. عجله حد افراط و بی‌تفاوتی حد تفریط این صفت می‌تواند باشد. بروز عجله در رفتارهای اجتماعی ضررهایی حتی به مراتب زیانبارتر از بُعد فردی رفتار دارد. چه بسا جوامعی که در اثر عدم تأمل و بروز رفتارهای حساب نشده، خود را به ورطه هلاکت کشیدند و چه بسیار گروه‌هایی که درنگ و تأمل در تأمین لوازم یک حرکت اجتماعی را لحاظ نکردند و حرکت اصلاحی آنان با شکست مواجه شد. حضرت محمد(ص) می‌فرمایند: «انما اهلک الناس العجلة ولو ان الناس تثبتوا لم یهلک احد؛ عجله و شتاب مردم را هلاک کرده و اگر مردم دارای تأنی و خویشتنداری بودند، هیچ کس به هلاکت نمی‌رسید.»

لزوم پرهیز از حرکت اصلاحی عجولانه را می‌توان در سیره معصومین نیز مشاهده کرد. به گونه‌ای که ایشان تا آخرین زمانی که امکان اصلاح در یک ساختار اجتماعی را ممکن می‌دانستند از اقدام عجولانه برای قیام خودداری می‌کردند. بنیانگذار انقلاب اسلامی نیز همین سیره معصومین را پیشه خود ساخته و در جریان مبارزه با رژیم ستمشاهی سالیان زیادی به نصیحت و تلاش برای اصلاح زمامداران اختصاص داد. صبر برای تأمین لوازم و پیش نیازهای حرکت اصلاحی نیز مسئله‌ای است که عدم توجه به آن سبب بروز عجله در فرایند یک اقدام اجتماعی خواهد بود. نگاهی به رفتار اجتماعی اصلاح‌گرانه اهل بیت نیز نشان می‌دهد زمانی که حداقل لوازم حرکت اجتماعی (وجود تعدادی یار صدیق و وفادار) فراهم نباشد ایشان با وجود اصرار برخی افراد ابتدائاً به قیام اقدام نمی‌کردند.

حال در مقابل برخی افراطیون که در مقابل هر گونه شرایط دشوار و نابسامانی اولین اقدام ممکن را تظاهرات و بروز خشم اجتماعی معرفی می‌کنند باید چنین پاسخ داد که حتی ائمه (ع) نیز در زمان حکومت طاغوت به سادگی و بدون در نظر گرفتن شرایط الزامات و تبعات حرکت اصلاحی اقدام به تشویق و تشجیع برای بروز خشم اجتماعی نمی‌کردند چه برسد به آنکه در کشوری ولایت الهی حاکم باشد و ضعف‌های عملکردی و ناشی از سوء کارکردها منجر به بروز نابسامانی و بی‌عدالتی شده باشد. این صبر البته با حد تفریط یعنی «بی تفاوتی» یکسان نیست و عدم بروز رفتار عجولانه اجتماعی بدان معنا نیست که برای ایجاد مقدمات اصلاح تلاش صورت نگیرد. تعریف رهبر انقلاب از صبر نشان دهنده و مؤید همین نگرش است: «مشکلات گوناگون بر سر راه همه ما هست؛ باید مغلوب نشویم. این درس را هم امام بزرگوار ما در عمل به ما تعلیم کرد؛ صبر کرد. آن روزی که در این شهر قم فریاد امام بلند شد، جز جمع طلبه‌ای در پیرامون او، کسی یاور او نبود؛ غریب بود. امام در وطن خود غریب بود، در شهر خود غریب بود اما ایستادگی کرد. انواع و اقسام فشارها - فشارهای مادی و معنوی - بر آن مرد بزرگ وارد آمد، اما ایستاد - «المؤمن کالجبل الرّاسخ لا تحرّکه العواصف» - هیچ کدام از این تندبادها نتوانست آن اراده پولادین، آن عزم راسخ را تکان دهد، ایستاد. وقتی در قله چشمه‌ای می‌جوشد، دامنه‌ها هم سیراب می‌شوند. صبر او از او سرریز شد، دیگران هم صبر کردن را یاد گرفتند؛ لذا دیگران هم صبر کردند. ملت بزرگ ایران هم با این صبر توانست بر این همه توطئه فائق بیاید.»

در این بیان، رهبر انقلاب پیروزی نهضت اسلامی را نتیجه صبر امام (ره) می‌داند. حال موضوع این است که در شرایط نابسامان اجتماعی چه میزان صبر و کوشش برای حل معضلات توصیه و چه میزان به ناآرام‌سازی بیشتر شرایط دامن زده می‌شود. در نگاه رهبر انقلاب ذیل حاکمیت انقلاب همواره یک گروه عمده مردم وجود دارند و یک اقلیت همواره معترض که ایشان حساب عموم مردم را از ایشان جدا می‌کند: «مردم عادی و معمولی (اینگونه نیستند) اگر در فلان گوشه محروم مملکت، شما مدرسه کوچکی می‌سازید، دعا می‌کنند، محبت می‌کنند، شکرگزاری می‌کنند. در مقابل عده‌ای هستند که اگر بهترین امکانات را هم به آن افراد بدهید، کم‌سپاس‌ترین هستند.

«و ابطأ عذراً عند المنع»: وقتی انسان چیزی به آنها نمی‌دهد، اگر عذری هم داشته باشد، اینها عذر را قبول نمی‌کنند. «و اضعف صبراً عند ملمات الدهر»: وقتی مشکلات زمانه پیش می‌آید، اینها از همه کم صبرترند. اگر بلای طبیعی یا بلایای اجتماعی پیش بیاید، از همه کم صبرتر و نق‌زن‌تر اینهایند؛ بی‌صبری نشان می‌دهند و هی پا به زمین می‌کوبند.»

رهبر انقلاب در تعیین راهبرد و استراتژی برای جوانان انقلابی ضمن اینکه بی‌صبری را یکی از آفات تلقی می‌کنند؛ از عبارت «صبر انقلابی» به عنوان واژه‌ای در کنار «خشم انقلابی» یاد می‌کنند که به مثابه لازم و ملزوم یکدیگرند: «یکی از موانع، بی‌صبری است. بی‌صبری؛ باباجان! این غذا را وقتی شما سرِ بار گذاشتید، نمی‌شود که به‌مجرد اینکه آتش زیرِ غذا را روشن کردید، بنا کنید پا به هم کوفتن که من غذا می‌خواهم! خب باید صبر کنید تا بپزد. گاهی اوقات این جوری است؛ بعضی از فعالیت‌هایی که برادرها و خواهرهای خوب انقلابی یک جاهایی انجام می‌دهند، ناشی از صبور نبودن است؛ صبوری لازم است؛ صبر هم یکی از خصلت‌های انقلابی است. بله، خشم انقلابی داریم اما صبر انقلابی هم داریم.»

> رهبر انقلاب در تعیین راهبرد و استراتژی برای جوانان انقلابی ضمن اینکه بی‌صبری را یکی از آفات تلقی می‌کنند از عبارت «صبر انقلابی» به عنوان واژه‌ای در کنار «خشم انقلابی» یاد می‌کنند که به مثابه لازم و ملزوم یکدیگرند

## ■ خشم انقلابی

همانطور که در بروز صبر به حد اعتدال آن اشاره شد خشم را می‌توان در کنار صفاتی چون تخریب‌گری یا هرج و مرج‌طلبی (آنارشیسم) و بی‌تفاوتی نمایش داد. البته همانطور که بیان شد خشم بالذات و در اطلاق عام بیشتر کاربردی منفی دارد و خود حد افراطی برای یک رفتار معتدل است اما از آنجا که کلیدواژه «خشم انقلابی» در ادبیات گفتمانی رهبر انقلاب دارای مفهوم مثبت است و نیز تأمل در آیات و روایات، بروز خشم در مواردی برای اولیای خدا نقل شده است؛ لذا باید با تأمل بیشتری در مفهوم خشم نگریست. مهم‌ترین مصادیقی که خشم انقلابی را شکل داده و آیات قرآن نیز بر آن صحه گذاشته است؛ حاکمیت «ظلم و بی‌عدالتی» و نیز حاکمیت «باطل و کفر» است. در آیه شریفه «ان الله لا یحب الجهر الا بالسوء الا من ظلم له» به طور کلی خشم صفتی مذموم دانسته شده اما فریاد زدن بر اثر بی‌عدالتی و ظلم را به عنوان استثنا بیان کرده است که نشان می‌دهد در صورتی که ظلم چنان فراگیر شود که امکان اصلاح نباشد (نظیر آنچه در نهضت اسلامی امام رخ داد) مقابله و خشم انقلابی مورد مدح است. حاکمیت باطل و استکبار نیز در بیان ماجرای حضرت موسی و خشم وی از رفتار باطل و مشرکانه سامری در زمان غیبت ایشان مشاهده می‌شود.

خداوند در سوره طه ضمن توصیف رفتار حضرت موسی(ع) به «غضبانا اسفا» بیان می‌کند که چرا خشم الهی مقدس و یک امر ارزشی است. این خشم چون برای دین در قبال رفتار باطل و مشرکانه مردم و سپرده شدن زمام هدایت به مستکبری چون سامری بود، بسیار مقدس است.

باید توجه داشت همین خشم انقلابی که در رفتار اجتماعی عمدتاً منبعث از حاکمیت باطل یا مشاهده بی‌عدالتی و ظلم منشأ بروز می‌گیرد؛ خود مرحله‌ای است که قبل از آن باید مسیر صبر انقلابی و تلاش برای اصلاح به طور کامل پیموده شود. وگرنه این خشم همراه با عجله خواهد بود که تبعات آن برای یک جامعه زیانبار است و خداوند نیز از آن نهی فرموده است. آیه شریفه «و ذالنون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی‌الظلمات ان لااله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین» حکایت یونس پیامبر را بیان می‌کند که عجله برای هدایت مردم و غضب بی‌جا بر اجتماع در حالی که همچنان امید هدایت و اصلاح جامعه وجود داشت، وی را مورد شماتت خداوند قرار داد و خود نیز به ظلمی که ناشی از خشم بی‌جا روا داشته است، اقرار می‌نماید.

> باید توجه داشت همین خشم انقلابی که در رفتار اجتماعی عمدتاً منبعث از حاکمیت باطل یا مشاهده بی‌عدالتی و ظلم منشأ بروز می‌گیرد، خود مرحله‌ای است که قبل از آن باید مسیر صبر انقلابی و تلاش برای اصلاح به طور کامل پیموده شود. وگرنه این خشم همراه با عجله خواهد بود که تبعات آن برای یک جامعه زیانبار است

امام صادق (ع) در حدیثی که خود نشان می‌دهد اصل وجود خشم حالتی محال برای مؤمن نیست، به رفتار الگو هنگام بروز خشم اشاره دارد و مهم‌ترین ویژگی رفتاری را عدم خروج از مرز حق در بروز خشم بر می‌شمارند: «اَلْمُؤمِنُ اِذا غَضِبَ لَم یخرِجْهُ غَضَبُهُ مِنْ حَقٍّ وَاِذا رَضِی لَم یدخِلْهُ رِضاهُ فی باطِلٍ وَالَّذی اِذا قَدَرَ لَم یأخُذ اَکثَرَ مِمّا لَهُ؛ مؤمن چون خشمگین شود، خشمش او را از حق بیرون نبرد و چون خشنود شود، خشنودیش او را به باطل نکشاند و چون قدرت یابد بیش از حق خود نگیرد.»

پیرامون شیوه ابراز خشم انقلابی در مسائل و مشکلات اجتماعی که برای یک کشور رخ می‌دهد، تبیین و مرزبندی رهبر انقلاب نیز مبتنی بر ضرورت مرزبندی میان حق و باطل است: «مرز شما با آنهایی که جمهوری اسلامی را قبول ندارند، باید معلوم باشد. یک‌وقت هم لازم است در جایی انسان با همان کسی هم که جمهوری اسلامی را قبول ندارد، تعامل کند اما معلوم است که او، اوست و شما، شمایید؛ مخلوط نشوید. من همیشه از بعضی‌ها در همین نظام و مجموعه خودمان گله‌مند بودم؛ چون اینها مرزها را پاک کرده‌اند. به اینها گاهی می‌گفتم وقتی شما مرز را پاک می‌کنید، اشکالش این است که بسیاری به‌خاطر نبودن مرز، از این طرف می‌روند آن طرف، از آن طرف می‌آیند این طرف؛ مرتب رفت و آمد می‌کنند؛ یعنی حدود فراموش می‌شود. یک کشور اگر مرزش مشخص نباشد، هویت جمعی و وحدت جمعی ندارد. بگذارید مرزها مشخص باشد؛ معلوم باشد شما کجایید، آنها کجا هستند. «و من شئ الفاسقین و غضب لله غضب الله له»؛ شما به‌خاطر خدا خشم بگیرید، خدا هم به‌خاطر شما خشم می‌گیرد «وارضاه یوم القیامة».

ایشان با توجه دادن به اقتضائات زمانه حضرت امیرالمؤمنین (ع) را مثال می‌زنند که مظهر تام عدالت‌جویی و مبارزه با بی‌عدالتی است اما گاهی به دلیل نبودن لوازم و نتایج بروز خشم انقلابی صبر پیشه می‌گیرد: مظهر اتمّ و اکمل عدالت، امیرالمؤمنین است دیگر، از او عادل‌تر که نداریم اما امیرالمؤمنین هم یک جاهایی صبر کرد؛ تاریخ زندگی امیرالمؤمنین را می‌بینید دیگر. یک جا می‌گوید: «فَصَبَرتُ وَفِی العَینِ قَذًی وَفِی الحَلقِ شَجا».

نهایتاً اینکه رهبر انقلاب مفهوم خشم انقلابی و خشم مقدس را در بهترین وجه مربوط به خشم مقابل دشمنان خدا و پیروان طاغوت بر می‌شمرند و می‌فرمایند: «فرو بردن خشم در مقابل دوستان لازم است. در مقابل دشمنان باید غیظ داشت «و یذهب غیظ قلوبهم». در مقابل آن دشمنی که با هویت شما، با موجودیت شما مخالف است، آنجا خشم می‌شود خشم مقدس؛ آن اشکالی ندارد. نه، در جمع مؤمنین، در بین افرادی که مأمور به رفتار مسلمانی با آنها هستیم، خشم و حالت عصبانیت نباید باشد.»

## ■ فرجام سخن

برآیند بحث پیرامون تبیین رابطه خشم و صبر ذیل رفتار اجتماعی مؤمن انقلابی نشان می‌دهد در تفکر رهبر انقلاب این دو واژه نه‌تنها در تعارض با یکدیگر نیستند بلکه برای انسان تکلیف محور حقیقت و حقانیت از یکسو و در نظر گرفتن بستر اجتماعی و مقتضیات زمان است که تعیین می‌کند در یک برهه زمانی باید صبر انقلابی پیشه کرد و درباره دیگر نیازمند روز خشم انقلابی در راستای اصلاح وضعیت هستیم.

دیدگاه

حجت‌الاسلام اعرافی در افتتاحیه طرح ملی گفتمان نخبگان علوم انسانی:

## عقل دینی در متدولوژی دانش مؤثر است

به گزارش «جوان» چهارمین دوره طرح ملی گفتمان نخبگان علوم انسانی، با حضور آیت‌الله اعرافی رئیس حوزه‌های علمیه سراسر کشور، حجت‌الاسلام حمید پارسانیا عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و حجت‌الاسلام مریجی رئیس دانشگاه باقرالعلوم و جمعی از اندیشمندان و دانشجویان از سراسر کشور در مرکز همایش‌های غدیر استان قم افتتاح شد.

آیت‌الله اعرافی سخنران اول جلسه بیان داشت اسلام، دینی تمدنی است و می‌تواند برای همه ابعاد و عرصه‌های زندگی انسان برنامه ارائه دهد و ما بنا بر مفروضات معتقدیم بر مبنای قرآن یک تمدن وجود دارد.

وی ادامه داد: معارف قرآنی قافله‌ای از فکر و اندیشه درست کرده است و اندیشه اسلامی صرفاً تک‌بعدی و تعلیق و پیوست زندگی بشری نیست و توانایی این را دارد که برای همه جنبه‌های زندگی بشری راه‌حل و نسخه ارائه دهد. وی افزود: البته این به معنای تعطیل کردن عقل بشری نیست. اسلام می‌تواند با تحولات بشری هماهنگ شود و نقش هدایتگری داشته باشد.

وی سپس در ادامه جلسه به ذکر چند نکته پیرامون علوم انسانی اسلامی و نسبت اسلام با علم پرداخت. اعرافی گفت: آنگاه که سخن از علم انسانی - اسلامی است به معنای دخالت اندیشه‌های دینی در مبانی و مبادی علم است، زیرا علم جدا از ریشه‌های خود نمی‌تواند باشد و ذهن هر دانشمند محاط به مجموعه‌ای از مبادی و مبانی است.

رئیس حوزه‌های علمیه ادامه داد: عقل دینی در روش و متدولوژی دانش نیز می‌تواند اثرگذار باشد. کشف حقایق در جهان چند روشی است و عقل و نقل نیز در کشف حقایق می‌تواند مؤثر باشد و نیز برای کشف ابعاد وجودی عالم نمی‌توان بر یک عصا تکیه کرد. اندیشه دینی همچنین می‌تواند در گزاره‌های علمی دخالت کند و نیز علوم انسانی از منظر اسلامی قابل نقد و ارزیابی است. وی در پایان بیان کرد: برای دستیابی به علم انسانی و اسلامی نیاز به تحولات، تطورات و تعمقات در حوزه علوم اسلامی است.

درنگ

## کتاب چاپی، کی نفس آخر را خواهد کشید؟!

متن زیر یادداشتی از حجت‌الاسلام رسول جعفریان است که در ادامه می‌خوانید:

وقتی ما نسخه خطی می‌خواندیم، حداکثر از یک کتاب، می‌توانستیم ۱۰۰ یا حتی ۲۰۰ نسخه داشته باشیم. اگر هر کتاب را به طور متوسط در سال، سه نفر می‌خواندند، ما بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ نفر را از این کتاب بهره‌مند می‌کردیم. این در حالی است که بیشتر کتاب‌ها، استنساخشان همزمان از عدد انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد و اما در طول زمان، اغلب این نسخه‌ها از بین می‌رفت و بسیاری از اوقات دیگر کسی آنها را استنساخ نمی‌کرد تا آن که به نابودی می‌گرایید... و حالا کتاب چاپی وقتی در تیراژ دو یا سه هزار چاپ می‌شود، مثلاً برای یک جمعیت ۸۰ میلیونی، تصور کنید، چند نفر از این کتاب بهره‌مند می‌شوند.

مسلماً از این کتاب، که معلوم نیست نسخ آن هم تا چه زمانی به فروش برسد و چه مقدار آن در کتابخانه‌ها در لابه‌لای قفسه‌ها پنهان شود، عده زیادی بهره‌مند نخواهند شد، هرچند در مقایسه با آنچه در باره نسخه خطی گفتیم به مراتب، شمار بیشتری از آن استفاده می‌کنند. یادمان باشد که عصر جدید با کتاب چاپی شروع می‌شود. اکنون تصور کنید در موج سوم، یعنی نسخه دیجیتالی یا ورای آن تبدیل این معمولات به فایل‌های کوچک درآید و توسط میلیون‌ها دستگاه کامپیوتر یا گوشی در اختیار مردم قرار گیرد، آن وقت، بنگریم که چه تعداد از انسان‌ها از آن استفاده می‌کنند. تازه، آنها می‌توانند در هر کجایی باشند مطالعه کنند و بدون آنکه زحمت حمل کتاب را به خود اختصاص دهند، از محتوا استفاده کنند. در صف نان، داخل اتوبوس یا هر جای دیگر اما چرا ما از این مرحله عبور نمی‌کنیم؟

استفاده از کتاب، به دلایل مختلفی در برخی حوزه‌ها ادامه یافته است. در حوزه علوم و فنون، پزشکی و علوم پایه، بیشتر دانشجویان با فایل‌های نوری سر و کار دارند و از لپ‌تاپ و گوشی استفاده می‌کنند، بنابراین در آنجا کتاب فیزیکی، متقاضی زیادی ندارد و شمارشان اندک است و روز به روز کمتر هم می‌شود اما در علوم انسانی، چنین نیست، همچنان کتاب فیزیکی مورد نیاز است و تا وقتی که تقاضا وجود دارد، عرضه هم خواهد شد. حوزه ادبیات، رمان و تاریخ همچنان از آثار جدیدی که تولید می‌شود، به صورت فیزیکی استقبال می‌کند. در فرنگ، همزمان نسخه دیجیتالی و چاپی عرضه می‌شود اما در ایران، چنین رسمی وجود ندارد. بنابراین با یک حساب سرانگشتی می‌توان گفت در آنجا شمار بیشتری از کتاب منتشره شده، بهره می‌برند. اصولاً ادامه استفاده از کتاب، تابع عرضه و تقاضاست. تا وقتی نسلی وجود دارد که ذهن و چشم خود را به استفاده از کتاب فیزیکی عادت می‌دهد، عرضه هم از سوی مؤلف و ناشر، همان را که او می‌خواهد تحویل می‌دهد. از قضا و حتماً برای اینکه کار و کاسبی خود را رونق دهد، سعی می‌کند بر رونق تقاضا بیفزاید و چنین وانمود و تبلیغات کند که کتاب چاپی همچنان اصل است و باید همان را پاس داشت. گاهی این کار خود را مقدس هم نشان می‌دهد.

مسلماً هیچ گروهی حاضر نیست منابع مادی خود را کنار بگذارد. از یک طرف، متناسب با تقاضایی که هست، کتاب فیزیکی تولید می‌کند و به این نیاز دامن می‌زند و زمانی که عدد این نیاز بالا رفت، استدلال می‌کند که نگفتم هنوز مردم کتاب چاپی دوست دارند و کسی علاقه به خواندن کتاب دیجیتالی ندارد؟

راستش اتفاقی که در رشته‌های فنی و پزشکی و علوم پایه افتاده، شاید به تمام معنا و به سرعت در علوم انسانی و ادبیات رخ ندهد اما به زودی این مسئله اتفاق خواهد افتاد. مهم این است که نرم افزارهای مناسب تولید شود، تمرین به بچه‌ها و نسل جدید داده شود، در مدارس روی این روش کار شود، در دانشگاه، این پدیده جدی گرفته شود و در آن صورت است که می‌توان دایره بهره‌گیری از دانش را در یک سطح بسیار گسترده بالا برد. روشن است که مشکلات در این زمینه بسیار است اما نیازمند تفکر در این باره هستیم و این جوانان عزیز ما در رشته‌های برق و کامپیوتر هستند که باید با همکاری دانشجویان سایر رشته‌ها، راه‌های جدیدی برای انتقال دادن مفاهیم علمی، تولید مقالات کوتاه و بلند، ترویج ایده‌ها از طریق ابزارهای جدید و مسائلی از این قبیل را یافته و مشکل را حل کنند.